

جایگاه امیرنظام گروسی در اندیشه ترقی و حکومت قانون دوره ناصرالدین شاه

چکیده:

در نیمه دوم حکومت ناصرالدین شاه به ویژه در دوره وزارت حسین خان سپهسالار اقدامات چشمگیری برای اصلاح امور سیاسی و اقتصادی کشور صورت گرفت به گونه‌ای که برخی از پژوهشگران تاریخ معاصر ایران به اصلاح این دوره را عصر ترقی و قانون‌خواهی معرفی کرده‌اند. هدف از این مقاله بررسی نقش و جایگاه یکی از مهمترین کارگزاران سیاسی این دوره یعنی حسنعلی خان امیرنظام گروسی در پیشبرد قانون‌گذاری و تجدد است. در این مقاله با روش توصیفی و تحلیلی و با بهره‌گیری از اسناد آرشیوی و منابع تاریخی کوشش شده تا نقش و جایگاه امیرنظام گروسی در برنامه‌های اصلاحی و اقدامات صورت گرفته‌ی این دوره برای ترقی و بهبود وضعیت سیاسی - اقتصادی ایران مورد بررسی قرار گیرد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که امیرنظام گروسی جزو معدود کارگزاران عملگرا و موفق دوره قاجاری بود که با درک بسیط و عام از تجددخواهی، تا حد زیادی زمینه رشد تفکر ترقی‌خواهانه را فراهم آورد و فرصت کار و اندیشه‌ورزی برای برخی از شخصیت‌های نظریه‌پرداز و منتقد حکومتی مانند یوسف‌خان مستشارالدوله و میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله ایجاد کرد. ضمن حفظ موازین سنتی و پاسداشت فرهنگ ایرانی به ستایش از دست‌آوردهای نوین تمدنی غرب پرداخت و در این راستا اقدامات مهمی در نوشتن قانون‌نامه حکومتی، راه‌اندازی موسسات تمدنی نوین از قبیل تلگراف، راه آهن، ضرابخانه و غیره انجام داد. از این لحاظ می‌توان وی را با کارگزاران اصلاح‌طلب این دوره مانند میرزا علی‌خان امین‌الدوله و میرزا حسین خان سپهسالار در یک سطح قرار داده، با آنها ارزیابی و مقایسه کرد.

واژگان کلیدی: امیرنظام گروسی، اصلاحات اقتصادی، تجدد گرایی، قاجاریه، ناصرالدین شاه،

مقدمه:

در دوره قاجار شکست ایران از روس‌ها زمینه‌ای برای نوسازی ارتش ایجاد کرد، اما تلاش برای نوسازی و اصلاح امور کشور در دوه ناصرالدین شاه با ایجاد مدرسه دارالفنون و پس از آن فرستادن دانشجویان ایرانی تحت سرپرستی امیرنظام گروسی به فرانسه در سال 1276 ه.ق. به طور جدی‌تری پیگیری شد. در دوره دوم حکومت ناصرالدین شاه شماری از کارگزاران سیاسی کشور که بیشتر آنها تجربه زندگی در اروپا داشته و با تحولات اقتصادی و تمدنی کشورهای اروپایی آشنا بودند، برای شتاب بخشیدن به اصلاحات و اخذ تمدن نوین، ناصرالدین شاه را به مسافرت به اروپا تشویق کردند. افرادی چون فریدون آدمیت این برهه از تاریخ ایران دوره قاجار که همزمان با روی کار آمدن سپهسالار است، را عصر اندیشه ترقی و نوسازی نام داده‌اند. از جمله شخصیت‌های مهم ایران دوره قاجار که حدود شصت و چهار سال به طور پیوسته و مستقیم در مشاغل مهم سیاسی، نظامی و دیپلماسی فعالیت داشت، حسنعلی خان امیرنظام گروسی بود. او در تمام دوران حکومت ناصرالدین شاه و در این دوره که به نام دوره اصلاحات

معروف شده، از چهره‌های کلیدی کشور بود. امیر نظام گروسی از سال 1254 ه.ق با در دست گرفتن ریاست فوج گروس و شرکت در لشکرکشی هرات وارد مشاغل حکومتی شد و در سال 1317 ه. ق، پس از 64 سال فعالیت مستمر در عرصه سیاست و دیپلماسی، هنگامی که حاکم کرمان بود، درگذشت. در این مقاله کوشش می‌شود تا نقش وی در تحولات این دوره به ویژه پیشبرد برنامه اصلاح و قانون خواهی مورد بررسی قرار گیرد. بنابراین در اینجا بیشتر فعالیت سیاسی و دیپلماسی و اقدامات او در راستای برنامه‌های نوسازی این دوره مورد بررسی قرار خواهد گرفت و از ذکر جزئیات شرح زندگی‌نامه وی خودداری خواهد شد.

اصلاحگری و ترقی خواهی از رهگذر آشنایی با تمدن غربی:

امیرنظام گروسی در سال 1276 ق. به عنوان نخستین وزیر مختار دائمی ایران در اروپا منصوب شد و تا سال 1283 در این سمت باقی ماند. حوزه فعالیت دیپلماسی او تمام کشورهای اروپایی بود اما محل اصلی سفارت ایران در پاریس فرانسه قرار داشت. علاوه بر این، او سرپرستی 42 نفر از دانشجویان ایرانی را برعهده داشت. اقامت نسبتاً طولانی او همراه با رفت و آمد دیپلماتیک به بیشتر کشورهای بزرگ اروپایی باعث شد تا او درک بهتری از تمدن و فرهنگ اروپایی داشته باشد. چنانکه در ادامه خواهد آمد، مشاهده پیشرفت کشورهای اروپایی در زمینه‌های گوناگون تأثیر بسیاری بر روی اقدامات اصلاح-گرانه او گذاشت. این تأثیر چنان بود که وی در نامه‌ای به سفیر ایران در پتروگراد در هنگام ترک فرانسه، آن را همچون وداع با کعبه آمال معرفی می‌کند.¹ (گروسی، نسخه خطی شماره 147: 86) حتی او در نامه‌ای به یکی از دوستانش در روستای شیدای (از توابع خسروآباد بیجار) تا جایی پیش می‌رود که به ستایش آشکار از تمدن اروپایی می‌پردازد و می‌نویسد: «افسوس که این مملکت را بلاد کفر می‌گویند و حال آنکه معنی و حقیقت شعار اسلام در اینجا ساری و جاری است و خدا شاهد است که رجحان مذهب و امتیاز شریعت مطهر را در اینجا ثابت می‌توان کرد» به این ترتیب امیرنظام از او می‌خواهد تا «از لباس عادت عاری گشته، خود را به این صفحات بکشید تا آثار قدرت الهی را در خلقت بشر مشاهده نمائید» (گروسی؛ منشآت؛ نسخه خطی معتمدالکتاب: 29) تأثیر پیشرفت-های شگفت اروپا در زمینه صنعت و علوم گوناگون باعث شده بود تا او از هر راهی که شده زمینه‌های تغییر برای گرفتن الگوی تمدنی جدید در ایران فراهم کند. از این رو به همراه حسین خان سپهسالار کوشید تا با بردن ناصرالدین به اروپا پیشرفت‌های تمدنی آنجا را به وی بشناساند تا اینکه او اقدامات جدی‌تری برای اصلاح امور در ایران فراهم کند.

عضویت در گروه روشنفکری ترقی خواه و فعالیت‌های ماسونی

اقدام و بینش تجددگرایانه امیرنظام را از روی همکاری با روشنفکران اصلاح طلب و حمایت از برنامه‌های مترقیانه این دوره می‌توان بهتر درک کرد. طبق برخی گزارش‌ها امیرنظام هنگام سفارت در استانبول در 28 فوریه 1860 به همراه 4 تن از دیپلمات‌های ایرانی آشکارا به عضویت لژ ماسونی سنسیر آمیته Sincere Amitie (دوستی صمیمی) درآمد. این عده عبارت بودند از: 1-

¹ - نوشته امیر نظام با این شعر شروع می‌شود: الوداع ای کعبه اینک وقت هجران آمده / دل تنوری گشته و از دیده طوفان آمده.

حسنعلی‌خان سفیر 2- میرزا محسن‌خان مشاور سفیر، 3- میرزا صادق‌خان منشی، 4- نظر آقا آشوری مترجم سفارت، 4(رائین، 1357، ج 1: 42-44 و 484) اما به گفته الگار در مدت 2 سال اقامت او در استانبول اثری از ارتباط او با دیگر فراماسون‌های این شهر دیده نمی‌شود. (الگار، 1385: 11) احتمالاً همانگونه که الگار نیز تأکید کرده است، دیپلمات‌های ایرانی در استانبول با توجه به فضای عصر تنظیمات و عضویت برخی از شاهزادگان عثمانی مانند مراد پنجم در این لژها، آن را وسیله‌ای برای پیشبرد اهداف سیاسی خود می‌دیدند. گذشته از این شعار اصلی لژهای ماسونی ترقی، انسان دوستی و روشنگری بود. که این اصول در کلیت خود در نگاه افراد آن زمان هیچ مابینتی ظاهری با اسلام‌گرایی و منافع ملی ایران نداشت. چنانکه برخی از افراد مذهبی مانند سیدجمال‌الدین افغانی و شیخ‌الرئیس قاجار که آشکارا اندیشه اتحاد اسلام و بازگشت به اسلام داشتند تا افرادی با گرایش‌های صوفیانه نعمت‌الهی مانند حاجی میرزا صفا سوادکوهی و افرادی از فرقه‌های بکتاشی و نقشبندی عضو لژهای ماسونی بودند. (الگار، 1385: 9-8 و 19)

به هر حال، اگر او در لژ ماسونی هم عضویت نداشته باشد، با چهره‌های برجسته فراماسونی و اعضاء مجمع آدمیت در ایران، از جمله میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله، میرزا جعفر حکیم‌الهی و یوسف‌خان مستشارالدوله و...، همکاری، همفکری و دوستی نزدیک داشته است. در نهایت این نوع همکاری‌ها منجر به تشکیل اتحادیه‌های ترقی‌خواهانه غیررسمی و دوستانه گردید. آنها در سال 1281 هـ. ق در تفلیس با یوسف‌خان مستشارالدوله، ژنرال کنسول ایران و محمدخان مجدالملک، پیمان بستند که در کارهای ترقی‌خواهانه با همدیگر یکدل و متحد باشند. ده سال بعد یعنی در سال 1291 هـ. ق با پیوستن میرزا محمدخان مجدالملک و پسرش علی‌خان امین‌الملک، آن پیمان به صورت اتحادیه پنجگانه درآمد. فریدون آدمیت معتقد است که این نوع اتحادیه‌ها «شاید اثری از فعالیت مجمع فراموش‌خانه باشد که به ظاهر به هم خورده است» (آدمیت، 1351: 249-50)

امیرنظام به دلیل همفکری با یوسف‌خان مستشارالدوله و هم اندیشی با او در گرایش‌های ترقی‌خواهانه، هنگامیکه از سفارت پاریس استعفا داد، تلاش کرد تا مستشارالدوله را در پاریس جایگزین خود نماید. (ممتحن‌الدوله: خاطرات، 109) از اندیشه‌های ترقی‌خواهانه او حمایت کرد و اندکی بعد در سال 1306 ق. مکتوبی که حاوی اندیشه ترقی‌خواهی او را برای ولیعهد فرستاد (کرمانی، 1371: 186)

از جمله افراد دیگر حلقه روشنفکری و فراماسونری که با امیرنظام گروسی ارتباط نزدیک و صمیمانه داشته، ملکم‌خان ناظم‌الدوله بود. ملکم‌خان در چند جا در روزنامه قانون به ستایش از کاردانی و لیاقت امیرنظام پرداخته است. در اسناد ملکم‌خان نامه‌های زیادی از امیرنظام وجود دارد که به ملکم‌خان نگاشته و عمیقاً به وی اظهار علاقه و محبت می‌نماید. وی «بنابر کثرت میلی که به معاشرت و بحث» با ملکم داشت، از هر راه و به هر وسیله می‌کوشید تا «اسباب سفر خارجه و داخله فراهم آورده، و فیض خدمت او را دریافت نماید» (اسناد خصوصی ملکم‌خان، نسخه عکسی دانشگاه تهران)

امیرنظام از طرفداران پروپاقرص روزنامه قانون بود و ملکم‌خان روزنامه مزبور را از لندن بصورت قاچاقی برای او و مستشارالدوله به تبریز می‌فرستاد. امیرنظام نیز دریافت روزنامه «قانون» و نوشته‌های ملکم را خوشترین ایام زندگی خود توصیف می‌کند و آنرا «حیات‌دهنده ملت ایران» و شخص ملکم را «ولتر مملکت ایران» می‌نامد، و از اینکه عمرش به آخر رسیده و عمری برایش «باقی‌نمانده که مقوی و مؤید خیالات» ملکم‌خان باشد، عمیقاً ابراز تأسف می‌نماید. (اسناد ملکم‌خان. همانجا، نامه بی‌تاریخ

(به خاطر امیرنظام با ملکم خان، در اوایل پادشاهی مظفرالدین شاه، طی نامه‌ای از شاه خواست تا ملکم خان را مشمول عفو قرار داده و به ایران بازگرداند، تا در اصلاح امور حکومت و تنظیم دوایر دولتی به کشور کمک کند. مظفرالدین شاه با نامه او موافقت نموده و در نتیجه ملکم خان ظاهراً به ایران برگشت. (اسناد خصوصی ملکم خان، نسخه عکسی دانشگاه تهران مورخه 1314 ه. ق) از دیگر اعضای مجمع آدمیت که امیرنظام با او ارتباط داشته، میرزا جعفر حکیم الهی است. امیرنظام چنان تحت تأثیر او قرار گرفته که در اکثر نامه‌هایش جملاتی از او، چاشنی کلام خود می‌سازد و او را با صفات بزرگی چون «فیلسوف شرق» و «جوهره آدمیت و خلاصه انسانیت»، یاد می‌کند. (امیرنظام گروسی، کتابخانه دانشکده ادبیات مشهد شماره 147: 7 و نیز نسخه خطی کتابخانه مجلس شماره 324، ص)

تشویق شاه به انجام اصلاحات و تدوین کتابچه قانون:

امیر نظام در بیشتر نامه‌های سیاسی خود که در فرانسه نوشته است بر قانونمدی کشور و لزوم انتظام امور کشور بر اساس قانون تأکید می‌کند و در این مورد می‌نویسد: «باید و کلای دولت دقیقه‌ای از انتظامات داخله مملکت بر طبق قانون محکم غفلت نکنند» (سهیلی خوانساری، 17) او داشتن یک قانون اساسی و شیوه حکومت فرانسه در زمان ناپلئون سوم را از هر جهت برای ایران مناسب می‌دانست ظاهراً تحت تأثیر هیمن دیدگاه بود که در سال 1281 بنا به دعوت ناصرالدین شاه از فرانسه به تهران فراخوانده شد تا در تدوین دستورالعمل کتابچه اصلاحات از روی نمونه قوانین فرانسه اقدام کند. بنابراین مدتی در تهران ماند و جزوه‌ها و کتابچه‌های و دستورالعمل‌هایی برای تجدید سازمان اداری ایران نوشته و در اختیار محمد خان سپهسالار و ناصرالدین شاه گذاشت. (سهیلی خوانساری، همان؛ گروسی، پندنامه یحویه، مقدمه)

به این ترتیب امیرنظام در سال 1281 ق. قانون نامه‌ای مفصل نوشت به صورت جدول بندی تنظیم شده و شامل یک مقدمه، 15 باب و بیش از 300 فصل و یک خاتمه بود. از وجود این کتابچه اثری به دست نیامد اما آنگونه که خود امیرنظام در نامه‌ای عنوان کرده است، ناصرالدین شاه پس از خواندن این قانون نامه، نه از روی رضای خاطر مجلس بلکه از روی اعتقاد در ستایش آن مبالغه بسیار کرد. اینکه تا چه اندازه از اصول این قانون در دستگاه‌های دولتی اجرایی شد به درستی معلوم نیست اما آنگونه که از مفاد نامه امیرنظام پیداست پیش از آن نیز کتابچه‌هایی نوشته شده بود که به حاشیه انداخته شده و به قول وی «کاغذ و سوزن و رخنه روزن» شده بودند و او امیدوار بود که این قانون نامه به چنین سرنوشتی دچار نشود. (گروسی، منشآت خطی مشهد: 120)

امیر نظام ظاهراً به درخواست ناپلئون سوم شرحی درباره اقدامات اصلاحگرانه ناصرالدین شاه نوشت و این نوشته که به زبان فارسی و فرانسه تنظیم شده بود در روزنامه‌های رسمی آن زمان فرانسه منتشر شد. (کتابچه، نسخه خطی کتابخانه ملی، 2957315) او اگرچه در پاره‌ای موارد دستاوردهای حکومت ناصرالدین شاه در زمینه ایجاد صنایع و کارخانه‌ها را مفید و قابل تقدیر می‌دانست. (گروسی، نسخه خطی مشهد شماره 147: 18) اما بطور کلی این اقدامات را برای پیشرفت ایران ناکافی دانسته، معتقد بود با توجه به مقتضیات زمان که «ممالک فرنگ در هر دقیقه هزار فرسنگ پیش می‌روند» بایستی تعجیل بیشتری کرد و گام‌های بلندتری برداشته شود و به کارهای بزرگتر همت گذاشته شود (سهیلی خوانساری: 69)

کمک به راه اندازی موسسات تمدنی نوین در ایران:

حسنعلی خان امیرنظام به جای بحث و نظریه پردازی در مبانی ترقی غرب، عملاً اقدامات مهمی در معرفی و انتقال برخی از مؤسسات تمدنی جدید به ایران انجام داد. او هنگامی که در پاریس بود بیشتر اوقات خود را صرف بازدید از کارخانه ها و مراکز صنعتی و نظامی فرانسه می نمود و هرچندگاهی یکبار برای انجام مذاکرات سیاسی و بازدید از مراکز صنعتی دیگر کشورهای اروپایی سفر می کرد. امیرنظام در بازدید از این کارخانه ها، خیلی از وسایل صنعتی، نظامی و ارتباطی و مخابراتی از کشورهای انگلستان، فرانسه و پروس خریداری نموده و بطور منظم به ایران ارسال داشت. (سهیلی خوانساری، 146؛ اعتمادالسلطنه: مرآةالبلدان ج 2 و 3 ص 1445 و 1442)

امیرنظام گروسی به انگیزه چاپ و نشر کتاب و رشد دانش در زادگاه خود یعنی گروس؛ هنگامیکه وزیرمختار ایران در پاریس بود، چاپخانه ای خریداری و به این ولایت فرستاد و دستور داد تا کتابهای تاریخ جهانگشای جویی، تاریخ ابن خلکان، تاریخ بیهقی و کلیله و دمنه بهرامشاهی را با آن چاپ و منتشر نمایند (سهیلی خوانساری، 93) علاوه بر این هنگامیکه در تبریز پیشکار بود دفتر چاپخانه مجهزی با حروف سربی لاتین و فارسی در آن شهر دایر نمود و کتابهای معتبری در آن به چاپ رساند. (یغمایی، مجله یغما، ج 21، ش 11: 619)

در خصوص مدرن سازی صنعت پول امیر نظام در سال 1282ق. / 1867م. دستگاه جدید ظرب سکه خریداری و به ایران فرستاد. اما این دستگاه پس از ورود به انزلی سه سال در آنجا باقی ماند. چون وسیله ای برای حمل آن به تهران نبود. گویا مخالف دوستعلی خان معیر الممالک رئیس ضرابخانه که منافع او در ضرب سکه های کم ارزش بود در این کوتاهی بی تأثیر نبود. (مته، فلور و کلاوسون، 1396: 269)

امیرنظام همچنین مذاکراتی برای خرید کشتی های جنگی از فرانسه و بلژیک و انگلستان انجام داد. او هرچند کشتی های جنگی انگلیسی را از هر جهت بهتر و مفیدتر می دانست ولی چون اطمینانی به سیاست انگلیسی ها در خلیج فارس نداشت، سعی می کرد تا تکنسین ها و افسران امریکایی و استرالیایی را برای خدمت در نیروی دریایی ایران استخدام نماید. (بیانی، 1345، ج 2 سواد مکاتبات 85-65؛ آدمیت، 1351: 340-338)

به هر حال امیرنظام در این دوره علاقه وافری به برقراری ارتباط در زمینه های مختلف تجاری - فرهنگی و علمی با دول پیشرفته اروپایی از خود نشان می داد و تلاش زیادی برای جلب سرمایه گذاری های خارجی در ایران از قبیل ایجاد راه آهن، تأسیس تلگراف، ایجاد کارخانه و استخراج معادن به عمل آورد. او با برشمردن اهمیت سرمایه گذاری خارجی، به دلایلی چند، منفعت آنرا بیش از فرستادن دانشجو به کشورهای خارجی می دانست. به باور او چون دولت ایران امکانات و سرمایه کافی برای راه اندازی صنایع نداشت، بهتر بود «که از برای ترقی صنایع و تربیت ملت از این قبیل اشخاص هر قدر میسر شود به ایران آمده با مال خود تکلیف ضروری به دولت، مشغول کار شوند» زیرا علاوه بر ایجاد صنعت «هر سال مبالغی از بابت عمه و قیمت مصالح به اهالی مملکت منفعت می رسد» و گذشته از آن «در اندک مدتی اشخاص متعدد در انواع صنایع صاحب علم و سرشته می شوند و راه سهولت کارها را به رأی العین می بینند. بنابراین کارآموزی عملی هنرجویان ایران در این موسسات بهتر از آن بود که «این قبیل اشخاص را برای تعلیم صنایع به پاریس بفرستند». زیرا دانشجویانی که برای تحصیل در صنایع به اروپا فرستاده می شدند حتی در صورتی که پس از سه چهار سال در صنعت خود به کمال می رسیدند، در وقت مراجعه تحصیل بیکار می شدند و نتیجه ای از این کار حاصل نمی شد. بنابراین، از نظر او فرستادن دانشجو به اروپا تنها زمانی سودمند بود که بلافاصله پس از تحصیل در ایران مشغول کار شوند. بنابراین چون احداث کارخانه توسط دانش آموخته ها و حتی دولت امکانپذیر نبود، همه هزینه ها و اهداف مأموریت آنها به هدر می رفت. در

نتیجه او به دولت توصیه کرد تا به سرمایه‌گذاران خارجی اجازه دهد تا «بی‌تکلیف ضروری اولیای دولت، احداث کارخانه نموده و اقسام صنایع را منتشر نمایند تا فواید و منافع آن از برای اهالی مملکت عمومیت یابد و بعد از آنکه منافع و فواید آن را به رأی‌العین دیدند، خود مردم ایران از برای تحصیل منفعت با شوق کامل به تعلیم صنایع و احداث کارخانجات می‌پردازند...» (دمیت، 39-338)

بنابراین، با این دیدگاه امیرنظام برای جلب سرمایه‌گذاران خارجی مذاکرات مفصلی انجام داد. از جمله او در دیدار با کاپیتان لنچ مأمور خارجه انگلیس در فرانسه، از او تقاضا کرد تا تبعه آن کشور و آشنایان خود را به هروسيله ممکن جهت سرمایه‌گذاری در ایران تشویق نماید. (سهیلی خوانساری، 1357: 5)

علاوه بر این هنگامی که وزیرمختار ایران در استانبول بود، برای تأسیس بانک در ایران مذاکرات مفصلی با یک تبعه فرانسوی بنام مسیومرتون انجام داد و وی را به ادامه سرمایه‌گذاری در ایران امیدوار و قوی دل نمود. او که تأسیس بانک را از عوامل «رفع پریشانی و اصلاح حال ملت» می‌دانست، تلاش‌های زیادی برای راضی کردن او انجام داد. در مقابل افرادی چون کنسول انگلیس در تبریز که مخالف سرمایه‌گذاری فرانسوها بود «در داخل و خارج به وسایل مختلفه او را از اقدام به این کار منع می‌کرد و ... شرح مفصلی از بی‌نظمی و عدم امنیت ایران به او نوشته بود.» با این حال، امیرنظام با دادن اطمینان خاطر او را به انجام سرمایه‌گذاری راضی کرد و از صدراعظم ایران خواست تا این قرارنامه را «که متضمن فواید عظیم است» هرچه سریعتر به امضاء برساند. (اسناد خصوص ملک‌خان، دانشگاه تهران، نامه مورخه 9 جمادی‌الاول 1298 ه. ق)

مسئله‌ای که بیش از هرچیز مورد علاقه امیرنظام بود، ایجاد شبکه راه‌آهن بود. بنابراین وی مذاکرات مفصلی برای جلب حمایت کمپانی‌های اروپایی انجام داد و کتابچه‌هایی مبنی بر فواید راه‌آهن نوشته و به ایران ارسال داشت. (سهیلی خوانساری 1357، 84-79) او معتقد بود با درج آگهی مناقصه و یا به هرشکلی دیگر باید کمپانی‌های خارجی را تشویق به ایجاد سرمایه‌گذاری در ایجاد شبکه راه‌آهن ایران کرد. (سهیلی خوانساری، 1357: 84-79) با این دیدگاه، چنانکه در ادامه خواهیم گفت، به رغم مخالف‌های داخلی و خارجی، از امتیاز رویتر برای سرمایه‌گذاری در راه‌سازی ایران به طور جدی پشتیبانی کرد.

همچنین امیرنظام به ناصرالدین شاه توصیه کرد تا از انتقال شبکه تلگراف انگلیسی‌ها از طریق خاک ایران به هندوستان، ممانعت به عمل نیآورد. زیرا به نظر او گسترش شبکه تلگراف در ایران و ارتباط آن با کشورهای هند و عثمانی نه تنها مفهده‌ای نداشت بلکه از جهات عدیده به نفع دولت ایران بود. وی بر این باور بود که اگر ایران به انگلیسی‌ها اجازه اتصال شبکه تلگراف از تهران به بندرعباس و از آنجا به هندوستان ندهد، انگلیسی‌ها مسیر تلگراف را از طریق بصره و خلیج فارس انجام خواهند داد و این امر به زیان دولت ایران خواهد بود. امیرنظام در مقابل تردید دولت که گسترش مراوده با انگلیس از طریق راه‌آهن و تلگراف را باعث به خطر افتادن استقلال دولت می‌دانست چنین استدلال می‌کرد که :

«ابداً نمی‌توان تصور کرد که دولت انگلیس و غیر آن بواسطه تلگراف یا راه‌آهن یا ازدیاد مراوده تبعه و امثال آن، خاک و ملت دولت دیگر را تصرف خواهند نمود یا اگر این چیزها نباشد، راه خیال و چشم‌داشت آنها مسدود خواهد شد» (سهیلی خوانساری، همانجا، ص 69-68 نامه مورخه ربیع‌الاول 1279)

به نظر امیرنظام عواملی که مانع از ترقی کشور و مانع از جذب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران می‌شد؛ نبود آزادی، اذیت و آزار اتباع خارجی به بهانه‌های مذهبی و بی‌تدبیری رؤسای حکومتی ایران بود. بنابراین در واکنش به قتل اتباع خارجی که با انگیزه مذهبی در راه‌آهن شاه عبدالعظیم به سال 1308 ه. ق صورت گرفت، اظهار داشت «مادام که حالت مردم و اهالی مملکت ما این است، متوقع نباید بود که بهبود و ترقی در کارها به هم رسد». بنابراین او نگران بود که اوضاع پیش آمده دیگر کمپانی‌های خارجی

جرات نمی‌کنند در ساخت راه و سرمایه گذاری در ایران شرکت کنند (گروسی؛ منشآت، نسخه خطی مشهد شماره 17 ص 113)

وزارت فواید عامه

یکی از برنامه‌های نوین ترقی‌خواهانه در دوره وزارت حسین خان سپهسالار، تشکیل وزارت فواید عامه بود. در سال 1289 ه. ق که بنابر پیشنهاد حسین‌خان سپهسالار، وزارت‌خانه‌های جدیدی تأسیس شد، منصب «وزارت فواید عامه» به حسنعلی‌خان امیرنظام واگذار گردید و او تا سال 1298 ه. همچنان این سمت را برعهده داشت. از جمله وظایف این وزارت‌خانه، عبارت بودند از «کار فرمودن و راه‌انداختن معادن با لوازم و شرایط آن و ایجاد راه‌های آهنی و مواظبت در نظم آنها؛ بنا کردن جاده‌های عامه و شاهراه‌ها بین شهرها و ولایات؛ ساختن پل و سد بر روی رودخانه‌ها؛ حفر نهرهای تازه و پاک کردن نهرهای قدیم برای آبیاری کشتزارها؛ خشک کردن مرداب‌ها؛ درخت‌کاری کنار راه‌ها و ریگزراها تا هوا معتدل شود؛ ایجاد بنادر تجاری و اسکله؛ نصب نشانه‌های دریایی؛ راه‌انداختن چراغ گاز، ایجاد بناهای تازه و تعمیر بناهای قدیم که روبه ویرانی نهاده بود» (آدمیت، 1351: 209)

با این حساب حوزه فعالیت وزارت فواید خیلی گستره بوده تمام فعالیتهای عمرانی وزیر بنایی در اختیار آن وزارت خانه قرار داشته است. در آن زمان که تب ایجاد راه آهن و امتیازات مربوط به آن در ایران بالا گرفته بود، ایجاد چنین وزارت‌خانه‌ای مهم به نظر می‌رسید و در واقع یکی از پایه‌های اساسی اندیشه ترقی خواهی این دوره را تشکیل می‌داد.

با اینکه امیرنظام چندان دلخوشی به منصب وزارت فواید نداشت و آن را «اسمی بلارسم و قالبی بدون روح» توصیف می‌کند. (امیرنظام گروسی، نسخه خطی مشهد، شماره 17: 23) با این حال در این زمان به رغم بی‌برنامگی و بی‌انضباطی در امور اداری وزارت‌خانه‌ها، اقدامات نسبتاً مهمی توسط امیر نظام صورت گرفت که بیشترین این اقدامات در زمینه راه‌سازی بود. از جمله احداث جاده آمل به تهران در سال 1290 ه. ق با نظارت حسنعلی‌خان و البرت گاستیگرخان (Alber Gasteiger) مهندس اتریش تکمیل و افتتاح گردید. (اعتمادالسلطنه، المآثر و الآثار، ج. 1، 1363: 108) جاده قم به تهران هم در این دوره تسطیح شد و برخی از تحصیل کرده‌های غرب مانند نظام‌الدین کاشانی که مدتها بی‌کار بودند به این نوع فعالیت‌ها گماشته شدند (محبوبی اردکانی، ج 1: 325) اقدام مهم دیگر امیرنظام، احداث راه لاریجان به تهران بود. احداث این راه ابتدا در سال 1287 ه. ق به عهده البرت گاستیگرخان اتریشی واگذار شده بود اما وی پس از سه سال با همه مخارجات زیادی که از دولت گرفته بود، این کار را ناتمام رها کرد و اتمام آن برعهده امیرنظام گذاشته شد. امیرنظام با استفاده از نیروهای نظامی، در سال 1292 ه. ق این جاده را احداث نمود. در طول این راه که قریب هفده فرسخ بود چندین پل و سد معتبر بسته شد. (وقایع نگار کردستانی، 281-282؛ اعتمادالسلطنه؛ روزنامه خاطرات، 1356: 52)

برای ساختن راه آواجق در سرحد آذربایجان غربی تا قزوین نیز اقدامات مهمی صورت گرفت و علی‌رغم تلاش‌های وسیعی که دولت روسیه برای بدست آوردن امتیاز این راه به عمل آورد، امیرنظام تمایل چندانی نشان نمی‌داد و بیشتر سعی می‌کرد تا این کار را با استفاده از نیروهای متخصص فرانسوی به انجام رساند. (امیرنظام گروسی، منشآت؛ نسخه خطی کتابخانه دانشکده ادبیات مشهد، شماره 17: 128)

هنگامیکه امیرنظام منصب وزارت فواید برعهده داشت، طرح مطالعه راه‌های شوسه و آهن توسط مهندسين خارجی انجام گرفت. از جمله «بارون دو تورمان» بلژیکی در سال 1292 ه. ق، طرحی از اصلاح راه‌های ایران ارائه داد و همچنین سژزر

(Scherzer) مهندس اتریشی نقشه راه آهن مرکزی ایران را طرح نمود و آلتون Alleon مهندس فرانسوی در سال 1295 ه. ق طرح راه آهن رشت را به تهران ارائه داد. (آدمیت، 33-332)

در راستای همین فعالیت‌های راه‌سازی عصر سپهسالار، امتیاز بهره‌برداری معادن و جنگلها و تأسیس راه آهن شمال ایران به یک نفر یهودی آلمانی الاصل انگلیسی بنام بارون جولوس دو رویتر داده شد (ر.ک: تیموری، ؛ کاظم‌زاده) و حسنعلی‌خان امیرنظام با سمت وزیر فواید، از جمله امضاء کنندگان و حامیان اصلی امتیاز رویتر بود. هنگامیکه این امتیاز با اعتراض شدید روس‌ها و بعضی رجال در باری مخالف سپهسالار مواجه گشت، مجلسی ترتیب دادند که در آن، حسنعلی‌خان گروسی و میرزا علی‌خان امین‌الدوله وزیر رسائل، موظف بودند تا در مقابل معترضین قرارداد مانند میرزا سعیدخان وزیر خارجه و میرزا محمدحسین دبیرالملک، بعنوان وکیل مدافع و حامی رویتر در مجلس سخنرانی کنند تا به اصطلاح، بی‌دانشی وزرا و ارکان دولتی مخالف قرارداد را ثابت نمایند. (امین‌الدوله، 43-46 ؛ تیموری، 1332: 112؛ کاظم‌زاده: 1371: 107-113) هنگام بالا گرفتن دامنه اعتراضات بر علیه قرارداد و عزل حسین‌خان سپهسالار، حسنعلی‌خان امیرنظام برای اثبات حمایت خود از قرارداد رویتر در نامه‌ای خطاب به هنری کولینز (Henry Colins) نماینده رویتر در ایران، ضمن بی‌اساس خواندن عزل سپهسالار او را تشویق نمود تا برای خنثی کردن عمل مخالفان، هرچه سریعتر عمل تسطیح راه را انجام دهد. (تیموری، 1332: 130؛ کاظم‌زاده، 1371: 17)

بالاخره پس از مذاکرات طولانی که امتیاز رویتر لغو شد، بار دیگر وزیر فواید مأموریت یافت تا اعلان رسمی لغو این امتیاز را به هنری کولینز و وزارت خارجه انگلیس اعلام نماید. (همانجا، ص 139)

با فسخ قرارداد رویتر، یک نفر مهندس ارتش روسیه بنام ژنرال فالکن هاگن^۳ تحت حمایت گورچاکف وزیر خارجه آن کشور به ایران آمد، تا قراردادی مشابه امتیاز رویتر با ایران منعقد نماید. هرچند شاه و سپهسالار علاقه چندانی به گفتگو در این زمینه نداشتند ولی بالاخره با اکراه مجبور به مذاکره شدند و طبق فرمانی از ناصرالدین‌شاه به حسنعلی‌خان گروسی دستور داده شد تا با ژنرال فالکن هاگن در مورد شرایط قرارداد به مذاکره پرداخته و نتیجه را به اطلاع شاه برساند. (آدمیت، 77-376) پس از مذاکرات مفصل در نهایت قراردادی در 29 فصل تنظیم و در 12 ذی‌الحجه سال 1291 ه. ق به امضاء رسید. از جمله مدت به انجام رساندن تعهدات طرف قرارداد پنج سال بود و شرکت فالکن‌هاگن می‌بایستی مبلغی بعنوان ضمانت انجام تعهدات خود، بنام دولت ایران در یکی از بانکهای روسیه وثیقه بگذارد و در صورتیکه کمپانی از عهده تعهد خود برنمی‌آمد ایران می‌توانست اختیارات شرکت را لغو نماید. بطورکلی این قرارداد هم چنانکه باید و شاید منافع ایران را تأمین نمی‌کرد و تقریباً در سطح همان قرارداد رویتر بود. (مفاد قرارداد در نسخه خطی کتابخانه ملی ایران شماره 2229 / ف)

میرزا حسین‌خان سپهسالار که با شکست امتیاز رویتر، مورد بی‌مهری شاه و وزرای طرفدار روسها در ایران واقع شده بود با همکاری تامسون وزیرمختار دولت انگلیس در ایران تلاش زیادی برای لغو قرارداد انجام داد. (صفایی، 1335 ص 94-95، و ص 60-58) او به میرزا ملک‌خان وزیرمختار ایران در لندن دستور داد تا با لرد تندر (Tenderden) وزیر خارجه انگلیس ملاقات نموده و تمام کوشش‌های خود را برای ممانعت از تحقق این امتیاز بکار گیرد (کاظم‌زاده: 122-134) به هر حال این طرح به امضای شاه نرسید و بار دیگر حسنعلی‌خان گروسی و امین‌الدوله، طرح جدیدی از این قرارداد نوشته و به روس فرستادند، اما چون شرایط این طرح

جدید با نیت روسها مبانیست داشت، شورای وزیران روسیه آن را تصویب نکردند و از روسیه دستور فرستادند تا دیگر شرایط قرارداد را دنبال نکنند و دولت ایران هم که طبعاً مایل به اجرای قرارداد نبود از شرفالکن هاگن خلاص شد. (نسخه خطی کتابخانه ملی ایران شماره 2229 / ف؛ آدمیت، 1351: 384)

پافشاری حسنعلی خان امیرنظام در اجرای قرارداد رویتر و امتیازات مشابه آن تنها بخاطر حمایت وی از اصلاحات ترقی خواهان سپهسالار و دوستی با او نبود. بلکه امیرنظام چنانکه از اسناد و منشآتش معلوم می شود برای توسعه و تعمیر جاده ها اهمیت زیادی قائل بود. یکی از دلایل عمده توجه امیرنظام به گسترش ارتباطات و ایجاد شبکه راههای آهنی و شوشه، تعقیب اهداف نظامی بوده است. وی که سالها در نقاط مختلف آشوب زده ایران به امور نظامی و خدمات سپاهیگری پرداخته بود؛ عامل اصلی ایجاد شورش و ناامنی در ایالات و ناتوانی دولت در سرکوب سریع این شورش ها را ناشی از ضعف ارتباطات می دانست. نظر به همین امر وی اصلاح امور جاده ها و گسترش ارتباطات برای برقراری نظم و امنیت در ایران را ضروری می دانست. (سپهلی خوانساری، نامه های شماره 89، 135، 170، 214)

حمایت از علم و دانش:

یکی از جنبه های مثبت شخصیت امیرنظام گروسی، علاقه او به گسترش سوادآموزی و تشویق علم و دانش بود. او تعداد 42 نفر دانشجویان ایرانی که تماماً از اعیان و فارغ التحصیلان دارالفنون بودند، برای تکمیل تحصیلاتشان به فرانسه برد و آنها را به مدارس و کارخانه های معروف پاریس و سایر شهرهای فرانسه جهت آموزش معرفی نمود (محبوبی اردکانی، 1345، ج 1، ص 22-321- اعتمادالسلطنه، مرآةالبلدان: ج 2 و 3 ص 1321؛ خورموجی، 1344: 247) و چون نوع آموزش فرهنگی ها و پیشرفتهای دانشجویان ایرانی مطلوب نظر حسنعلی خان امیرنظام بود، او دستور داد تا پسرش یحیی خان هم روانه اروپا گردد و او را در مدرسه نظامی سن سیر به تحصیل گماشت.

او دقت و توجه زیادی نسبت به پیشرفت تحصیل دانش آموزان ایرانی داشت و غالباً با بازدید از مراکز تعلیمشان آنها را مورد تشویق قرار می داد. در نتیجه این سخت گیری ها و نظارت دقیق امیرنظام اکثراً به مدارج علمی خوبی دست یافتند و بعضاً قبل از اتمام دوره مأموریت امیرنظام فارغ التحصیل و به ایران مراجعت نمودند. خود امیرنظام هم به زبان فرانسوی مسلط شده و به آسانی به آن زبان تکلم می کرد. (کرزن، 1373 ج 1: 431؛ ممتحن الدوله، خاطرات: 85-48 و 95-90؛ محبوبی اردکانی، ج 1: 54-320؛ سپهلی خوانساری، 7-8 و 94-96) چنانکه پیشتر نیز گفته شد امیرنظام سرپرستی 42 نفر از دانشجویان ایرانی در فرانسه برعهده داشت و با دقت و وسواس فوق العاده بر درس و تحصیل آنها نظارت می کرد و حتی برای فراهم آوردن وسایل مناسب تحصیل این دانشجویان گاهی اوقات از کنسول های دیگر مقیم پاریس پول قرض می کرد. (سپهلی خوانساری، 137: 8 و 7)

سه نفر از این دانشجویان به نام های میرزا کاظم، میرزا حسن و میرزا فرج الله که پس از دو سال تحصیل فشرده آنها به پایان رسیده بود در سال 1287 به ایران فرستاد. بنا به دستور ناصرالدین شاه وسایل و ابزار کار این دانشجویان خریداری و همراه آنها به ایران فرستاده شد. (نامه های امیر نظام، نسخه خطی، برگ 157)

امیرنظام یکی از دانشجویان به نام میرزا کاظم که برای تحصیل علم فیزیک و شیمی مقرر شده بود، بی درنگ به مدرسه موسیو کوروازیه فرستاده پس از دو ماه به تحصیل مقدمات زبان فرانسه و حساب و هندسه مشغول شده بود، به یکی از داروخانه های

معروف پاریس فرستاد و مدت 4 ماه نیز به دواسازی و شناختن اقسام دواها و در ن ضمن به تحصیل و تکمیل زبان فرانسه پرداخته به مجالس درس فیزیک و شیمی حاضر می‌شد. بعد از آن او را به شهر راون فرستادم و 4 ماه پیش موسیو اوزد که معلمین معروف شیمی است مشغول تحصیل شد. از آنجا که شیمی علم مبسوطی بود و شاخه‌های گوناگون داشت، میرزا کاظم اولاً شناختن برخی مواد و اجسام را یاد گرفت. بعد از آن شروع به تجزیه توصیفی کرده پس از چند ماه توانست که به واسطه اهمال شیمیایی بیان کند. اجسام مختلفه مرکبه را گاهی عددشان به یازده می‌رسد. پس از آن شروع به تجزیه مقدماتی نمود و با وجود اشکال این فن در اندک مدتی مسائل متعلقه آنرا کاملاً دریافت کرده به طوری که در اکثر کارها معلم خود را مدد و تقویت می‌کرد. پس از آن مشغول کارهای مخصوص شد از قبیل تجزیه آب‌ها و خاک‌ها و هواهای مختلفه و اجسام نباتی و حیوانی. (نامه‌ها، سند شماره 7698/295 برگ 157)

او در دیداری که در سال 1860 م / 1276 ه. ق) با هنری آرماتوان (Moseigneur Henri Arman Than) کشیش فرانسوی داشت از او خواهش نمود تا در حوزه آسقفیش در موصل، به امر سوادآموزی به مسلمانان کرد همت نماید (هی‌تیه، 304) در هنگامیکه پیشکار آذربایجان بود و به نیت مثبت «میرزا حسن رشديه» در جهت تعلیم و سوادآموزی پی‌برده بود، به او انعام و خلعت شایسته داد و «تا زمانی که وی پیشکار آذربایجان بود، او باش تبریز دیگر جرأت جسارت کردن به مدرسه رشديه را نداشتند» (شمس‌الدین رشديه، 1352: 34؛ فخرالدین رشديه، 1370: 32)

امیرنظام با اهمیت زیادی که برای مدارس قائل بود، هنگام افتتاح مدرسه دولتی مظفریه در تبریز، وی آن مدرسه را مساوی با «کارخانه ادبیت» می‌دانست و آنرا چون عید ملی برای ایرانیان تلقی می‌کرد و آن را باعث براندازی رسوم جاهلیت در ایران می‌دانست. (امیرنظام گروسی؛ منشآت؛ چاپ سنگی کتابخانه ملی، شماره 9374: 52).

امیرنظام احترام خاصی برای عالمان و طالبان علم و دانش قائل بود و آنها را همواره مورد تشویق و محبت قرار می‌داد. اکثر به دیدار عالمان می‌رفت و گاهی عالمان از جاهای دیگر به دیدارش می‌شتافتند. دست کم چند نفر از شاعران معروف این دوره از جمله ایرج میرزا، ادیب‌الممالک فراهانی و علی‌خان آشتیانی متخلص به آشوب از جمله دست‌پروردگان او بودند و از او صله و پاداش دریافت می‌کردند. (راوندی، 1353: ج 2، 8 ص 373؛ بامداد، 1371، ج 2: 159) ایرج میرزا، عدل و انصاف و خردورزی و علم دوستی او را مورد ستایش قرار داده و او را «خدو هنرمند» می‌نامند و مقام علمی او را تا آن حد بالا می‌برد که «بوزرجمهر حکیم» را در مقابل دانش او چون «طفلی کردن» می‌بیند. (امیرنظام گروسی، نسخه خطی شماره 17 مشهد: 40 و 1؛ نسخه خطی شماره 147 همانجا ص 156-158 و نسخه چاپ سنگی ص 147-149 و 65-67)

مأمورین رسمی و غیررسمی خارجی نیز زبان به خاطر بینش ترقی‌خواهانه و خدمات چندین ساله او «که در میان تاریکی این ایام ... پیشرو ترقی ایران بوده است» زبان به ستایش او گشوده‌اند (روزنامه قانون، 1369، نمره پنجم ذالعهده 1307 ه. ق ص 7؛ اسناد خصوصی ملک‌خان، دانشگاه تهران، میکروفیلم شماره 2526 ص 224-225) و نظر به همین موضوع لرد کرزن جنبه مدیریتی امیرنظام را نه تنها برتر از رجال ایرانی بلکه برتر از کل رجال شرقی می‌دانست معتقد بود در صورت رسیدن احتمالی او به منصب صدراعظمی باعث سعادت‌مندی کل مملکت ایران خواهد شد (کرزن، 1347 ص 91-92؛ همان ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، 1373، ج 1: 563)

نتیجه‌گیری:

نفوذ سیاسی - اجتماعی خاندان امیرنظام زمینه مناسبی برای ارتقاء موقعیت وی بود. اما واقعیت آن است که عمده ترقی و پیشرفت امیرنظام مرهون درایت و لیاقت شخصی خود وی بوده است. رشد شخصیت سیاسی و تحول در بینش اجتماعی امیرنظام گروسی، بطور قطع مرهون رویارویی مستقیم وی با سیاست و اندیشه تجددگرایی تمدن غرب بود. همین امر وی را به مجامع روشنگری آن دوره کشانده، بطور جدی به حمایت از اصلاحات برانگیخت. هرچند به طور اخص، تفکر تجددگرایی به گونه‌ای که در جنبش مشروطیت پدیدار شد، از وی یافت نمی‌شود و از این لحاظ نمی‌توان وی را با شخصیت‌های نظریه‌پردازی مانند ملک‌خان یا فتحعلی آخوندزاده مقایسه کرد؛ لکن در اسناد و منشآت امیرنظام مطالبی درباره مسائل سیاسی - اجتماعی وجود دارد که نشانگر درک کلی وی از اندیشه تجدد و ترقی‌خواهی می‌باشد و بایستی اذعان داشت که اقدامات سیاسی - اجتماعی وی در عمل، منبعث از تئوری خاص وی درباره اصلاح و ترقی بوده است. به هر حال، گرایش عملی وی به ترقی و تجدد، انکارناپذیر، و از این لحاظ در بسیاری از موارد به روند تحول اجتماعی کمک کرده است. امیرنظام را بایستی جزو نخبگان سیاسی و روشنفکران عمل‌گرای این دوره به حساب آورد. حقیقتاً وی در مقایسه با اکثر رجال به ظاهر متجدد این دوره، در عمل اعتقاد راسخ‌تری نسبت به پیشرفت اصلاحات در ایران داشته است.

امیرنظام گروسی جزو رجال کارگزار موفق دوره قاجاری بود که با درک بسیط و عام از تجددخواهی، تا حد زیادی زمینه رشد تفکر ترقی‌خواهانه را فراهم آورد. او با میدان دان و گاه همکاری پنهانی با نظریه‌پردازان منتقد حکومت مانند مستشارالدوله، ملک‌خان و مجدالملک سینیکی، اندیشه‌ها ترقی‌خواهانه را گسترش داد. عملاً از برنامه‌های اصلاحات این دوره حمایت کرد و برای راه‌اندازی موسسات تمدنی نوین مانند راه آهن، تلگراف، کشتی‌سازی، ضرابخانه، چاپخانه، بانکداری و غیره کوشش‌های فراوانی انجام داد. نخستین قانون نامه حکومتی را تنظیم کرد و کوشید تا تشویق ناصرالدین شاه به اروپا روند تغییر و نوسازی در ایران را تسریع کند.

منابع:

- 1- اسناد خصوصی ملک‌خان، دانشگاه تهران، میکروفیلم شماره 2526
- 2- آدمیت فریدون (1351). اندیشه ترقی و حکومت قانون در عصر سپهسالار، تهران - خوارزمی
- 3- احتشام السلطنه؛ خاطرات، چاپ سیدمحمد مهدی موسوی، تهران، ص 598-99
- 4- اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان. (1367). مرآةالبلدان، به کوشش عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، انتشارات دانشگاه تهران.
- 5- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (1363). المآثر و الآثار، چاپ ایرج افشار، تهران، نشر اساطیر، 1363، ج 1
- 6- اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان. المآثر و الآثار، به کوشش ایرج افشار، تهران، اساطیر، 1363، ج 1
- 7- اعتمادالسلطنه محمد حسن خان (1356). روزنامه خاطرات، چاپ ایرج افشار، تهران امیرکبیر،
- 8- الگار، حامد. (1385). فعالیت‌های ایرانی در لژهای فراماسونی استانبول، ترجمه اکبر رمضانی، فصلنامه نامه تاریخ پژوهانت، پیاپی 7، پاییز 1385.

- 9- امین‌الدوله علی‌خان (1355) خاطرات سیاسی امین‌الدوله به کوشش حافظ فرمانفرمائیان، تهران، امیرکبیر.
- 10- بامداد مهدی (1371). شرح حال رجال ایران، تهران، نشر زوار، 1371، ج 2
- 11- بیانی. کریم (1345). فهرست بخشی از اسناد دوره قاجاریه: وزارت امور خارجه ایران، تهران، 1345، ج 2 سواد مکاتبات 85
- 12- تقی‌زاده تبریزی، منصور (1355). مجله وحید، دوره چهاردهم، (1355)، ش 198-190
- 13- خورموجی، محمدجعفر (1344). حقایق اخبار ناصری، به کوشش حسین خدیوچم، تهران، زوار
- 14- راوندی مرتضی (1353). تاریخ اجتماعی ایران، تهران. امیرکبیر.
- 15- رشديه، شمس‌الدین (1352). سوانح عمر، تهران، نشر تاریخ.
- 16- رشديه فخرالدین (1370). تاریخ مدارس نويس يا زندگى ميرزا حسن رشديه؛ تهران، هيرمند.
- 17- روزنامه قانون، تهران نشر کویر، 1369، نمره پنجم ذالعهده 1307 ه. ق ص 7.
- 18- سندندي (فخرالکتاب) ميرزا شکرالله (1366). تحفه ناصری در تاريخ و جغرافياي کردستان، به کوشش دکتر حشمت‌الله طبیبی، تهران، امیرکبیر.
- 19- سهیلی خوانساری، احمد (1357). امیرنظام در سفارت فرانسه و انگلستان، به اهتمام سهیلی خوانساری، تهران. نشر اقبال.
- 20- صفای، ابراهیم (1335). برگ‌های تاریخ، اسناد دوره حسین‌خان سپهسالار، تهران، نشر بابک
- 21- صفای، ابراهیم. (1349). اسناد تویافته، تهران نشر بابک
- 22- کاظم‌زاده فیروز (1371). روس و انگلیس در ایران، ترجمه منوچهر امیری، تهران، علمی و فرهنگی.
- 23- کرزن جرج ناتانیل (1373). «ایران و قضیه ایران» ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی تهران، علمی و فرهنگی ج 1.
- 24- کرزن ج.ن. (1347). ایران و مسئله ایران، ترجمه علی جواهر کلام، تهران، ابن‌سینا.
- 25- کرمانی، ناظم‌الاسلام (1371). تاریخ بیداری ایرانیان، تهران. امیرکبیر.
- 26- گروسی، حسنعلی‌خان امیرنظام. منشآت، کتابخانه دانشکده ادبیات مشهد، نسخه خطی، شماره 17
- 27- ----- منشآت؛ چاپ سنگی، کتابخانه ملی شماره 9374
- 28- ----- منشآت، نسخه خطی شماره 147.
- 29- ----- منشآت، نسخه چاپ سنگی
- 30- ----- کتابچه اصاحات ناصرالدین شاه، نسخه خطی کتابخانه ملی ایران شماره 2229 / ف
- 31- مته، رودی و ویلم فلور و پاتریک کلاوسون (1396). تاریخ پولی ایران از صفویه تا قاجاریه، تهران. نشر نامک
- 32- محبوبی اردکانی، حسین (1345). تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، دانشگاه تهران.
- 33- حسینقلی‌خان شقاقی، ممتحن‌الدوله (1354). خاطرات ممتحن‌الدوله به کوشش، تهران، امیرکبیر.
- 34- مردوخ شیخ محمد (). تاریخ مردوخ یا تاریخ کرد و کردستان، سندندي، انتشارات غریقی.
- 35- قایع نگار کردستانی، میرزا علی‌اکبر (1364). حدیقه ناصری، به کوشش محمد رئوف توکلی، تهران، نشر مؤلف.
- 36- هی‌تیه، آدریان (1370). یادداشت‌های سیاسی کنت دو گوبینو، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران، نشر جویا.